



فصل نامه تخصصی کتابخانه بزرگ
حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله
سال بیست و نهم / شماره ۱۱۱ / بهار ۱۴۰۲

محمد تقی قزوینی؛ شارح نهج البلاغه

ناصرالدین انصاری قمی^۱

چکیده

شرح حال سید محمد تقی قزوینی عالم قرن سیزدهم (۱۱۹۵-۱۲۷۰ قمری) از چند دیدگاه بررسی شده است: نسب، ولادت، تحصیلات، سفرها، اساتید، دیدگاه‌های بزرگان، شاگردان، کرامات، آثار مکتوب از دیدگاه کتابشناسی و نسخه شناسی، آثار و بناهای ماندگار در قزوین، فرزندان شاخص و دانشور.

کلیدواژه‌ها

قزوینی، سید محمد تقی؛ عالمان قزوین - قرن سیزدهم؛ تاریخ علمی شیعه - حوزه علمی قزوین؛ کتابشناسی شیعه - آثار عالمان قزوین

۱. پژوهشگر حوزوی در حوزه کتابشناسی و شرح حال نگاری.

اشاره

قزوین، این شهر کهن اسلامی، از دیر زمان آکنده از مفاخر علم و دانش اسلامی بوده است. از آن روز که نور اسلام در این شهر تابید تا بدین روزگار، این سرزمین با طراوت و پاکیزه و مصفا، مهد عالمان و فقیهان و محدثان بزرگ بوده است. ورود حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام و اقامتش در این دیار و یادگارش در آنجا - امامزاده حسین - نشانگر توجه ائمه هدی بدان بوده است. وجود محدثانی چون: داود بن سلیمان غازی و کتابش <صحیفة الرضا> نشان دهنده عمق علاقه قزوینیان به ثامن الائمه علیه السلام است. عالمان قزوین در خدمت به ساحت مقدّس فقه و حدیث، گوی سبقت از شهرهای دیگر ربوده‌اند. بزرگانی همچون: ابن ماجه (صاحب سنن)، عبدالکریم رافعی (صاحب التدوین)، کاتبی (صاحب حکمة العین)، زکریا قزوینی (صاحب آثار البلاد و عجائب المخلوقات)، صاحب بن عباد (وزیر با کفایت فخرالدوله دیلمی)، میر عماد حسنی و فقیهان بزرگی مانند: آقا رضی قزوینی، شیخ عبدالنبی قزوینی، ملا خلیل قزوینی، ملا صالح قزوینی، سید مهدی قزوینی، سید علی قزوینی (صاحب حاشیه بر قوانین)، سید حسین قزوینی (صاحب معارج الاحکام)، سید ابراهیم قزوینی (صاحب ضوابط) و برادران برغانی (شهید ثالث شیخ محمد تقی و ملا صالح و ملا علی) و دهها نفر دیگر، نشان از سابقه پر افتخار این شهر می دهند.

(ببینید: ریحانة الادب ۲۹۱/۳-۲۹۸، معجم مؤلفی الشيعة ۳۱۱-۳۱۹، اثر آفرینان ۳۴۰/۴-۳۴۶، گنجینه دانشمندان ۱۳۹/۶-۱۶۶، فرهنگ نام آوران قزوین (۲ ج، نقی افشاری)، مینودر (سید محمد علی گلریز)، سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین (۳ ج، پرویز و رجاوند).

و در زمان ما هم فقیهان مشهوری چون آیات: سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، سید ابوتراب قزوینی، سید محمد باقر قزوینی، سید موسی زرابادی قزوینی، شیخ علی اکبر الهیان، شیخ مجتبی قزوینی و شیخ هاشم قزوینی، میرزا رحیم سامت، شیخ یحیی مفیدی، شیخ محمد مظفری و سید عباس ابوترابی حلقه وصل معاصران به پیشینیان بودند.

نوشتار حاضر، نگاه کوتاهی دارد به زندگی یکی از علمای نامی قزوین در قرن سیزدهم که آوازه اش در اواسط علمی شیعه طنین افکن و نامش در سراسر ایران پراکنده بود: آیت الله



سید محمدتقی قزوینی (م ۱۲۷۰ق). او با کتابها و آثار و خاندان و فرزندان و وادگانش جاودانه مانده است.

خاندان

آیت الله حاج سید محمدتقی، بن علامه میر مؤمن، بن علامه میر محمدتقی، بن علامه میر محمدرضا، بن میر قاسم، بن محمدباقر، بن میر جعفر، بن میر ابوالحسین، بن میر سید علی، بن امیر زید، بن ابوالحسین الصوّاف، بن سید علی، بن ابوالحسین محمد الاطروش، بن ابوالحسن سید محمد، بن ابوالحسن سید علی، بن ابوالقاسم سید علی، بن ابوالبرکات سید محمد، بن ابوجعفر سید احمد، بن سید محمد صاحب دارالصخر، بن زید ثانی، بن سید علی شاعر، بن سید محمد خطیب، بن ابوعبدالله جعفر الشاعر، بن سید محمد المؤید، بن محمد، بن زید، بن الامام علی بن الحسین علیه السلام، با ۲۶ واسطه به امام سجاد زین العابدین علیه السلام می رسد.^۱

جدّ اعلاّی حاج سید محمدتقی، سید محمدباقر امیرالحاج بوده که در زمان صفویه، از تبریز مهاجرت کرد و در قزوین اقامت گزید و سرپرستی کاروانهای حجاج بیت الله الحرام را بر عهده گرفت و پس از او، فرزندش حاج میر قاسم حسینی از طرف شاه سلیمان صفوی و فرزندش شاه سلطان حسین به منصب امیرالحاجی منصوب گردید، وی جدّ اعلاّی سادات قزوینی در ایران و عراق و سوریه بوده و علمای فراوان از نسل وی در اطراف و اکناف جهان تشیع پراکنده شدند. از آثار وجودی اش، آب انبار بزرگی، در نزدیکی مسجد جامع قزوین است که قرن‌ها مردم از آن، آب بر می داشتند و اکنون نیز موجود است.^۲

فرزندش علامه بزرگ و محدّث سترگ سید میر رضا حسینی قزوینی (م ۱۱۲۳ق)، صاحب آثار متعدّد، از جمله: ۱. بحر المغفرة (در اعمال سال)، ۲. الثاقب المشتمل علی فنون المناقب، ۳. اعمال رمضان یا صیامیه، ۴. مقتل الحسین یا محرّمیه، ۵. خون بار، ۶. رساله در تجوید، ۷. مجموعه امثال و اشعار، ۸. الجنة الباقية (ترجمه الجنة الواقية

۱. تقوی، سید ابوالفضل، شرح قصیده فخریه، ص ۶۴.

۲. آقا بزرگ تهرانی، الروضة النضرة (طبقات قرن ۱۱)، ص ۴۵۱ و تقوی، همان، ص ۶۹.



کفعمی)، ۹. دستور سیاحت، بوده است. شاگردش میر سیف‌الدین قوامی قزوینی (م ۱۱۵۰) در تاریخ وفاتش گوید:

در سلخ مه صیام از حکم قضا بر لوح قلم برای تاریخ وفات
شد جانب فردوس برین میر رضا بنوشت از زهد (بحق بود رضا) ۱۱۲۳

ولادت

حاج سید محمدتقی (فرزند میر مؤمن، فرزند علامه میر محمدنقی، فرزند علامه میر رضا (معاصر علامه مجلسی)، فرزند میر قاسم امیرالحاج، فرزند میر محمدباقر قافله باشی حسینی قزوینی)^۲ در سال ۱۱۹۵ ق^۳ - و یا ۱۱۸۵ - در قزوین زاده شد و در دوران کودکی و نوجوانی، مقدمات علوم را فرا گرفت.

تحصیلات

آن مرحوم، در زادگاهش ادبیات و ریاضیات را نزد میر محمد مازندرانی فرا گرفت و پس از آن مراتب علوم و فنون حکمت و کلام و ابواب فلسفه الهیه و حکمت متعالیه را نزد حکیم مازندرانی معروف به <جدلی> آموخت و راهی اصفهان شد و سالیانی از محضر علمای بزرگی چون: حاجی کلباسی و سید محمد فرزند میر سید علی اصفهانی بهره برد و پس از آن به زادگاهش بازگشت و ازدواج نمود.^۴

به سوی خانه خدا

او برای تکمیل تحصیل، رخت سفر به سوی عتبات بر بست، اما نخست به سوی کعبه حق و ادای مناسک حج ره سپرد و در آن سرزمین وحی الهی به تصفیه باطن و تزکیه نفس

۱. آقا بزرگ تهرانی، الکواکب المنتشرة (طبقات قرن ۱۲)، ص ۲۶۸ و تقوی، همان، ص ۶۹-۷۰.

۲. آقا بزرگ تهرانی، کرام البررة، ج ۱، ص ۲۲۹.

۳. تقوی، سید ابوالفضل. مقدمه کتاب <قصیده منیریه>. اما شیخ آقا بزرگ وفاتش را در سال ۱۲۷۰، در کبر سن و عمر طویل می نویسد و این عبارت با سنین کهنسالی - حدود ۸۵ یا ۹۰ سالگی - تناسب دارد.

۴. همان جا.



همت گمارد و صاحب دعوات مستجابات و کرامات باهرات گردید و به مراتب عالیه علم و عمل نائل آمد.

به سوی کربلا و نجف

وی، پس از حج بیت الله الحرام، رهسپار کعبه علم و عشق و شهادت - کربلا - گردید و در کربلا از محضر درس علامه شریف العلماء و علامه سید محمد مجاهد بهره برد و پس از آن، راهی نجف اشرف شد و سالیان فراوان از دروس: علامه سید باقر قزوینی، ملا اسماعیل عقدائی یزدی، سید سلیمان طباطبایی یزدی و سید عبدالله شبّر استفاده نمود و به مراتب والای فقاہت و روایت دست یافت و از تمام اساتیدش به اجازات متعدد نائل آمد (که اجازه علامه شبّر موجود است و به زودی به چاپ می رسد).

فرزندش علامه سید محمدتقی (نقی) قزوینی، صاحب کتاب های: حُجّة النواصب، و کتابی در حدیث، و کتابی در دعا بوده است.^۱ هر چند علامه تهرانی و سید ابوالفضل تقوی، او را حاج سید محمدتقی نگاشته اند، ولی نواده اش - حاج سید محمدتقی (که شرح حال او را می نگاریم) - در ابتدای الفیه نحوش، او را محمدنقی دانسته و می گوید:

قال التقي بن النقي بن الرضا مُفْتَخِرًا بالمصطفي و المرتضى

فرزندش جناب میرمؤمن حسینی قزوینی هم از علما و روحانیون مورد احترام مردم قزوین بوده است، که دو فرزندش میر محمدباقر و میر محمدتقی از علمای شهر و سر دودمان تقوی و قافله باشی قزوین بوده اند.^۲

اینک به شرح زندگی آیت الله العظیمی سید محمدتقی حسینی قزوینی می پردازیم.

اساتید

از آنچه گفته شد، بر می آید که حاج سید محمدتقی، نزد این استادان به شاگردی پرداخته

۱. آقا بزرگ تهرانی، الكواكب المنتشرة (طبقات قرن ۱۲)، ص ۱۲۲-۱۲۳ علامه تهرانی در کرام البررة، ج ۱، ص ۲۲۹ متوجه این اشتباه شده و در آن تقی را به نقی، تصحیح کرده است و تقوی، مقدمه کتاب <قصیده منیریه>، ص ۷۰.

۲. تقوی، سید ابوالفضل، مقدمه کتاب <قصیده منیریه>، ص ۸۶-۷۰.



است، که عبارتند از:

۱. شریف العلماء مازندرانی (م ۱۲۴۶ق)
۲. سید باقر بن احمد قزوینی (م ۱۲۴۶ق)
۳. ملا اسماعیل عقدایی یزدی (م ۱۲۳۰ق)
۴. سید سلیمان طباطبایی یزدی (م ۱۲۵۲ق)
۵. سید عبدالله شبّر کاظمی (م ۱۲۴۲ق)
۶. سید محمد مجاهد طباطبائی (م ۱۲۴۲ق)
۷. حاجی محمد ابراهیم کلباسی اصفهانی (م ۱۲۶۱ق)
۸. حکیم میر محمد مازندرانی معروف به جدلی

در گفتار بزرگان

علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی می نویسد:

>وی از سید محمد مجاهد، سید عبدالله شبّر، میرزا رضا علی خان - شاگرد شیخ جعفر کاشف الغطاء - و شیخ احمد احسائی اجازه روایت داشت.^۱

و علامه ملا حبیب الله کاشانی هم می نویسد:

>علامه سید محمد تقی قزوینی از سید محمد مجاهد (فرزند صاحب ریاض)، شیخ احمد احسائی، سید باقر نجفی (قزوینی)، استاد شریف [العلماء]، علامه یزدی - شاید همان میرزا رضا علی خان باشد - و سید سلیمان طباطبائی، همگی از شیخ جعفر کاشف الغطاء، از سید بحر العلوم، از وحید بهبهانی مجاز است و به علامه

حاج سید حسین کاشانی هم اجازه روایت بخشوده است.^۲

اعتماد السلطنه هم می نویسد:

>حاج سید تقی قزوینی خداوند کرمات و مقامات، از اجله علما بود، بلکه از جمله اولیاء در تقوی کان یضرب به المثل، و در منزلت کان یستسقی به الغمام. عجایب ادعیه وی در هفتاد من کاغذ نمی گنجد. أجاوش مقصد آفاق است، تصنیفات

۱. آقا بزرگ تهرانی، کرام البررة، ج ۱، ص ۲۲۹. در آن سید سلیمان طباطبایی یزدی می نویسد.

۲. شریف کاشانی، حبیب الله. لباب الالقب، ص ۱۳۰.



دارد. الفیه نحوش بدین مطلع است:

قال التقى بنُ التقي بنُ الرضا مفتخراً بالمصطفى و المرتضى^۱

معلم حبیب آبادی هم می نویسد:

> حاج سید محمد تقی، از اجله علما و اهل شعر و ادب، بلکه خداوند کرامات و مقامات و قدس و تقوی بوده، و کتب چندی تألیف نموده، و مرحوم حاج سید محمد مهدی قزوینی از او روایت نموده به اجازه مفصله ای که نزدیک به > لؤلؤتی البحرین< می شود و نوده اش سید آقای قزوینی در ۱۳۳۳ بیاید.^۲

علامه سید حسن صدر می نویسد:

> وی از علمای بزرگ قزوین بود. اجازه ای بزرگ به خطش دیدم که برای سیدنا العلامة سید مهدی قزوینی حلّی - قدس الله روحه - نگاشته بود و در آن از سید محمد مجاهد صاحب مفاتیح، و میرزا علی رضا خان یزدی حایری - از شیخ الطائفه شیخ جعفر کاشف الغطاء - و سید عبدالله شبر کاظمی صاحب جامع الاحکام، و شیخ احمد احسائی در روزگار سلامت اعتقادش و پیش از ظهور فساد عقیده اش، از سید محمد بحر العلوم، روایت می نماید.

من شرح حال مفصل او را نیافتم، جز اینکه شنیدم وی از اجلاء علماء و اعظم فقهاء بود و در سفری به نجف اشرف برای زیارت آمد، در حالی که از معمرین بود، به علامه سید مهدی قزوینی حلّی در اوائل جوانی اش، در سال ۱۲۴۱ق اجازه داد.^۳ شیخ جابر کاظمی - دایی علامه سید حسن صدر - هم در دیوان خویش می نویسد:

> السيد الامجد العلامة السيد محمدتقي القزويني، فانه في الحكمة و الفقه و الاصول و فنون الكمال على حدّ الكمال. و له يد مبارّة في الدعاء يقصده الناس من اقاصي البلدان و ما احد اخذ منه دعاء لمقصّد الا و حصل، او لمريض الا و شفي، و هو ذو كرامة، و من المشهورين، و له مقام عظيم في قزوین يزوره الناس في ليالي الجمعة.<^۴

۱ اعتماد السلطنه، محمد حسن خان مراغی، علمای عهد ناصرالدین شاه، ص ۱۶۷.

۲. معلم حبیب آبادی، میرزا محمد علی، مکارم الآثار، ج ۶، ص ۱۹۶۷.

۳. صدر، سید حسن، تکمله امل الآمل، ج ۵، ص ۳۰۸.

۴. کاظمی، شیخ جابر، دیوان کاظمی، ص ۱۸ (به نقل از تکمله امل الآمل و کرام البررة).



و علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی می نویسد:

>سید محمدتقی، بن میر مؤمن، بن میر محمدنقی، بن میر رضا، بن میرقاسم امیر الحاج، بن میر محمدباقر قافله باشی حسینی قزوینی، از ارکان اسلام و دعائم دین و از نوابغ عالمان زمان خویش بود... شیخ جابر کاظمی در <سلوة الغریب> گوید: وی در حکمت و فقه و اصول و فنون کمال، به حد کمال بود و دستی مبارک در دعا داشت که مردم از راههای دور، روی به سوی او می نهادند و کسی از او دعایی برای مقصودی نگرفت، جز آنکه به مقصد و مرادش رسید، و دعایی برای بیماری نگرفتند مگر آنکه شفا یافت. و برایش مقامی بزرگ در قزوین است که مردم، شبهای جمعه به زیارت قبر می آیند.

وی ید طولی در علوم غریبه داشت و راههایی را می دانست که از آن پاسخ تمام پرسشها را به تمام و کمال استخراج می کرد و آنها را به بعض خواصش مانند: مولا علی رضا یزدی - جد همسر اول من - تعلیم داد. خداوند بر او نعمتی عطا فرمود که نسخه صحیحه تامه دعای <جَنَّةُ الْأَسْمَاءِ> را پیدا کرد و آن را بر لوحی از مرمر نگاشت که تاکنون نزد نوادگانش در قزوین موجود است. (و هر ساله ایام اردیبهشت و آب نیشان، آن را بیرون آورده و زیر باران شسته و بارانی که بر آن می بارد را جمع کرده و از باب تبرک و استشفاء، بین خود تقسیم می نمایند). و بالجمله وی - که خدا مقامش را عالی گرداند - از عالمان جامع و متفطن و متبحر در اکثر علوم، و از صالحان و نیکان و زاهدان تارک دنیا و زخارفش بود و هیچ فضیلتی از او ترک نشد...<!

شاگردان

در مجلس درس آن فقیه بزرگ، گروهی از فقهای قزوین - که بیشتر فرزندان او بودند - پرورش یافتند که عبارتند از:

۱. حاج میر محمد مهدی حسینی قزوینی
۲. حاج میر عبدالصمد قزوینی

۱. آقا بزرگ تهرانی، الکرام البررة، ج ۱، ص ۲۲۹-۲۳۰.

میرزا شیخ علی

فصلنامه تخصصی کلامی و نسخه شناسی
سال بیست و نهم / شماره ۱۱۱ / بهار ۱۴۰۲



۳. حاج میر عبدالوهاب قزوینی
۴. حاج ملا علی رضا یزدی - جدّ همسر اوّل شیخ آقا بزرگ تهرانی.
۵. حاج سید قاسم قزوینی
۶. علامه سید مهدی قزوینی حلی - که از او در ۱۲۴۱ به دریافت اجازه نائل آمده است.
۷. مولا علی اشرف طالقانی که قصیده مخیّره را در ۱۲۹۹ کتابت نموده است.

پاره‌ای از کرامات

مرحوم حاج سید محمد تقی را اهل کرامات و خوارق عادات نوشته‌اند. مرحوم تنکابنی در قصص العلماء، ذیل احوال استادش آیت الله شیخ عبدالکریم ایروانی، به نقل از ایشان می‌نویسد:

> زمانی، حاج سید محمد تقی قزوینی، عقدی واقع ساخته بود و در نزد من به مرافعه آمدند و من ابطال عقد سید نمودم. بدین سبب نقاری در میان من و سید پدید آمد، تا شبی در خواب دیدم که شخصی به نزد من آمد و گفت: بیا که تو را خواسته‌اند. و هیبتی از او در دل من افتاد و قدرت بر رفتار نداشتم. پس با دستها و پاها رفتم و آن شخص در پیش افتاد و من از عقب او روانه بودم، پس به در خانه‌ای رسیدیم، گفت: اینجا تو را خواسته‌اند. دیدم در اندرون خانه، سادات موقر و محترم و معظّم به ترتیب نشستند و حاجی سید تقی هم در میان آنها نشست است. پس سلام کردم و جواب مرا گفتند و آن سید که از همه بالاتر نشسته بود، به عتاب و خطاب درآمد که: چرا خاطر فرزند ما سید تقی را شکستی؟ البته، از این پس، از این کارها نکرده و سید را از خود راضی کن.

پس من بیدار شدم، رفتم به خانه سید و دیدن از او کردم و معذرت از او خواستم و حکایت خواب را به او گفتم. سید از من خشنود شد.

چون مدّتی گذشت باز واقعه‌ای در مرافعه اتفاق افتاد که پای حاج سید محمد تقی در میان بود. باز حکم کردم که مایه ابطال کار سید شد و مجدداً نقاری میان من و سید اتفاق افتاد. پس شب در عالم رؤیا دیدم باز همان کس که در سابق دیده بودم آمد و مرا خواست، باز به هیأت سابق، در همان مکان رفتم. دیدم همان

سید تقی

محمد تقی قزوینی؛ شایخ نهج البلاغه





اشخاص نشسته‌اند، پس باز همان سید که در صدر مجلس بود در باب حاجی سید محمدتقی، به من عتاب فرمود و حکم کرد که او را راضی سازم. صبح آن روز، با این که برف می‌بارید، به خانه سید رفتم و سید به در خانه آمد و با هم رفتیم و زیر کرسی نشستیم، پس از صحبت‌های متفرقه، در مقام معذرت شدم که از من راضی شو و از جرم من بگذر. و کیفیت خواب خود را به او ابراز نکردم.

سید در جواب خود گفت: من از تو راضی شدم و دیشب در آن مجلس، که در دم خانه ایستاده بودی من هم در آن مجلس نشسته بودم.

پس من تعجب بسیار نمودم که سید از کجا به مضمون خواب مطلع شد؟ با این که من آن خواب را به کسی اظهار نداشته بودم.^۱

آیت‌الله شهید شیخ فضل‌الله نوری هم می‌نویسد:

> از عارف سالک آقا علی‌رضا اصفهانی - خواهر زاده علامه حاج محمدابراهیم کلباسی - در روز یکشنبه چهارم شوال المکرم ۱۲۸۸ ق، شنیدم که می‌گفت از سید السادات سید محمدتقی قزوینی - اسکنه الله بحبوحه جئاته - شنیدم که می‌فرمود: <روزی برای همسرم، هفت ذراع - ۳/۵ متر - پارچه‌ای ابریشمین (که <طافه> نامیده می‌شد) خریداری کردم، ولی همسر دیگرم خبر دار شد و بنای ناسازگاری و خشم و بی ادبی گذارد و مرا اندوهگین ساخت. با همان حالت غم و اندوه نماز مغرب و عشا را خواندم که ناگاه درب خانه به صدا درآمد و تاجری - همان فروشنده نخستین یا شخص دیگری (تردید از ناقل است) - مثل همان پارچه را - در مقدار و رنگ و جنس و لطافت - برایم آورد و من آن را به همسر دوم خویش دادم و خدا را سپاس گفتم و این در اثر توکل بر خدا و صبر بر اذیت همسرم بود.<

و باز همان سالک ربّانی آقا علی‌رضا اصفهانی، از سید مکاشف قزوینی - طیب الله رمسه - نقل کرد که:

>روزی برای زیارت به حرم حضرت عباس علیه السلام مشرف شدم و در بهترین حالات معنوی و روحانی بودم که دیدم حضرت علیه السلام از ضریح خارج گردید و به حضورش

۱. تنکابنی، میرزا محمد، قصص العلماء، ص ۱۱۸.

مشرف شدم و به این فوز بزرگ نائل آمدم.>
این حال کسی است که در طریق حق قدم صدق نهد و این مطلب را در ماه شوال
۱۲۸۸ از جناب اصفهانی شنیدم.^۱

آثار علمی

از آن فقیه سترگ، آثار فراوان، به فارسی و عربی و در فنون مختلف به یادگار مانده که نسخ
آنها در قزوین نزد احفاد و نوادگانش - به ویژه نزد فرزندان آیت الله سید محمد تقی معروف
به سید آقا قزوینی - نگهداری می شوند. این آثار عبارت اند از:

۱. شرح نهج البلاغه (فارسی و ناتمام).^۲
 ۲. طرائف الحکمة، منتخب نهج البلاغه.^۳ نسخه آن در کتابخانه مولا محمد علی
خوانساری در نجف بوده است.
 ۳. حاشیه بر طرائف الحکمة.^۴
 ۴. ردّ بر پادری نصرانی.^۵
- پادری (فادری)، یکی از کشیشان مسیحی بود که به ایران آمد و در اصفهان سکونت
گزید و کتابی در نقد اسلام و اثبات شریعت مسیح نگاشت و بسیاری از علما بدو پاسخ
دادند، که از جمله آنها <سیف الامة> حاج ملا احمد نراقی و ردّ ملا علی اکبر ایجی
اصفهانی است.

۵. برهان العصمة، در اثبات عصمت پیامبران و امامان علیهم السلام است.^۶
 ۶. مناظر الاثوار و مظاهر الاسرار، در تفسیر قرآن.^۷
- نسخه خطی آن در کتابخانه آستان قدس رضوی علیهم السلام موجود است.

-
۱. ابوالحسن (منذر)، علی، تنهای شکیبا، ص ۶۰۶-۶۰۵ به نقل از: جنگ بیاض شیخ فضل الله نوری.
 ۲. آقا بزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۱۴، ص ۱۱۹.
 ۳. همان، ج ۱۵، ص ۱۵۵.
 ۴. همان، ج ۶، ص ۱۴۷.
 ۵. همان، ج ۱۰، ص ۲۱۵.
 ۶. همان، ج ۳، ص ۹۸.
 ۷. آقا بزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۱۷، ص ۱۲۴.





۷. بدایع الاصول = بديعة الاصول.^۱ عنوان فصول آن، بديعة، بديعة می باشد.
۸. رسالة في ماء البئر.^۲
۹. حاشیه ریاض المسائل.^۳
۱۰. منظومه <الهدایات>. در امامت و خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام.^۴
۱۱. حقائق الهدایات، مختصر منظومه فوق است.^۵
۱۲. منظومه مخیریه، در اثبات خلافت بلافصل امیرالمؤمنین و تاریخ و قضاوت‌های آن حضرت. این کتاب با مقدمه و ترجمه و شرح احوال مؤلف و فرزندان و نوادگان وی، توسط مرحوم استاد سید ابوالفضل تقوی (بن سید ابوالقاسم، بن میر محمود، بن میر محمد اسماعیل، بن حاج سید محمد تقی)، در سال ۱۳۷۰ ش، در قم به چاپ رسیده است.^۶
۱۳. نهاية التحرير در شرح تجرید علامه
این کتاب نظم دو قسم تجرید (منطق و کلام) بوده و از آن در ۱۲۲۳ق، فراغت جُسته و نسخه خط ناظم در کتابخانه حسینیه آل حیدر در کاظمین موجود است و بر آن حواشی مختلف از سوی ناظم نگاشته و حواشی مختلف از فرزندش سید محمد هادی هم بر آن نگاشته شده است.^۷
۱۴. مشارق حق الیقین
ردّ بر - احتمالاً - پادری بوده و فارسی است. نسخه آن در کتابخانه مجلس به ش ۲۰۸۳ موجود است.^۸

۱. آقا بزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۳، ص ۶۲.
۲. همان، ج ۱۱، ص ۱۲۶.
۳. همان، ج ۶، ص ۱۰۰.
۴. همان، ج ۲۵، ص ۱۶۲.
۵. همان، ج ۷، ص ۳۶.
۶. همان، ج ۲۳، ص ۱۳۵.
۷. همان، ج ۲۴، ص ۳۹۸-۳۹۷.
۸. همان، ج ۲۱، ص ۳۵-۳۴.

۱۵. انوار الاشراف، منظومه‌ای در امامت.

۱۶. التجلیات.^۲

۱۷. قصیده فی ترجمه الخطبة الشقشقیه.^۳

۱۸. رساله حرمة تسمیة الحجة.^۴

۱۹. رساله‌هایی به نام فرزندانش: صمدیه، اسماعیلیه و اسحاقیه.^۵

۲۰. منظومه‌هایی در: فقه، عرفان، معانی و بیان، صرف و نحو، منطق، طب، امامت،

رجال.^۶

۲۱. قصیده فخریه در امامت.^۷

۲۲. دیوان اشعار و ملّح و مخمّس قصاید فراوان مانند: قصیده حمیری و قصیده

بُرده.^۸

۲۳. منظومه‌های گوناگون، مانند: نظم الانوف، نظم المجالی، نظم مقاصد الاشارات.^۹

۲۴. کتاب الادعیة.

۲۵. رساله در عصمت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام.

۲۶. تذکره انبیاء بنی اسرائیل (مدفون در قزوینی معروف به چار پیامبران و بقعه

پیغمبریه).

۲۷. خالصه التفسیر.^{۱۰}

۱. آقا بزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۲، ص ۴۰۵.

۲. آقا بزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۳، ص ۳۵۸.

۳. آقا بزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۱۷، ص ۱۲۴ و ج ۲۲، ص ۲۷۹.

۴. آقا بزرگ تهرانی، الکرام البررة، ج ۱، ص ۲۳۰.

۵. همان جا.

۶. آقا بزرگ تهرانی، الکرام البررة، ج ۱، ص ۲۳۰.

۷. همان.

۸. همان جا.

۹. آقا بزرگ تهرانی، الکرام البررة، ج ۱، ص ۲۳۰.

۱۰. تقوی. سید ابوالفضل. شرح قصیده مخیریه، ص ۸ (این چهار کتاب از آنجا نقل شد).





آثار ماندگار

مرحوم حاج سید تقی، به جز تألیفات و شاگردان و فرزندان و خاندان گرامیش، دارای آثار خالده و بناهای ماندگار در قزوین است که هم اینک مورد استفاده مردم قزوین می باشد. آنها عبارتند از:

مدرسه علمیه و آب انبار و لوح مرمرین ادعیه و احراز و دعای <جَنَّةُ الْأَسْمَاءِ>. دانشمند گرامی مرحوم استاد سید ابوالفضل تقوی می نویسد:

> حاج سید محمد تقی در کمک و مساعدت به مستمندان و بینوایان اقدامات شایانی داشته است منزل و محفل ایشان همواره ملجأ و مأوای درماندگان و محرومین زمان خود بود آن بزرگوار در احداث ابنیه عام المنفعه نیز اقداماتی داشته اند: از جمله: ۱. احداث مدرسه طلاب علوم دینی که اکنون نیز از طرف وزارت فرهنگ تجدید بنا و بازسازی شده است. ۲. همچنین احداث آب انبار بزرگی است که فعلاً متروکه و بلا استفاده است، این دو بناء در محل زادگاه اجدادی واقع در یکی از محلات جنوبی امروز قزوین بنام محله مسجد آقا (تأسیس فرزند برومندش آقا میر عبدالصمد) می باشد.

۳. از جمله آثار این عالم بزرگوار تهیه یک لوح بزرگ (سنگ مرمری) است که بر این سنگ ادعیه عجیبه و طلسمات غریبه از جمله دعای جنة الاسماء حک شده، باقی است، از بعضی بزرگان این فامیل منقول است در ازمنه قدیم که گاه و بیگاه بیماریهای واگیر مانند طاعون و وبا در کشور شیوع پیدا می کرد، اهالی با نصب این لوح بالای سردرب دروازه شهر از ورود و شیوع این بلیه مرگبار جلوگیری می نمودند و فعلاً این سنگ در منزل یکی از احفاد حاج سید محمد تقی مضبوط و محفوظ است.^۱

درگذشت

آن فقیه بزرگ، پس از ۷۵ سال عمر پر برکت (اگر سال ولادت وی، ۱۱۹۵ بوده باشد) و یا

۱. تقوی، سید ابوالفضل، شرح قصیده مخیریه، ص ۹.

در ۸۵ سالگی (اگر سال ولادتش ۱۱۸۵ بوده باشد)، در سال ۱۲۷۰ ق بدرود حیات گفت و شهر قزوین یکپارچه سیاهپوش و غرق عزا گردید. پیکرش را پس از تشییع، به کربلا منتقل و در مقبره رکن الدوله - که اکنون در میان صحن حرم حسینی علیه السلام در نزدیکی <باب السدرة> افتاده - مدفون گردید.^۱ اما شیخ آقا بزرگ، مدفن او را در قزوین نگاشته و می نویسد: مدفنش، بقعه مشهوری است.^۲ میرزا فضل الله قزوینی در مرثیه ای که برایش سرود، ماده تاریخ وفاتش را چنین سرود:

هاتف غیب بهر تاریخش گفت: بشکست رونق اسلام

فرزندان

دودمان آن فقیه بزرگ - از فرزندان و نوادگان و خاندان - همه از علمای معروف قزوین به شمار بوده اند.

فرزندانش آیات و حجج اسلام: میر اسماعیل، میر ذبیح الله، سید رضا، میر محمد یوسف، میر اسحاق، میر عبدالاحد، میر محمد حسین، میر عبدالرحمان، سید محمد مهدی، سید محمد هادی، سید عبدالوهاب، میر عبدالصمد و سید قاسم، همه از مشاهیر علمای قزوین بوده اند. اما ظاهراً میر عبدالصمد معروفترین آنها بوده است، که در حدود ۱۳۲۴ ق درگذشت. آقا بزرگ تهرانی درباره او می نویسد:

<وی، عالمی وجیهه و فاضلی صالح و از فقهای مشهور و رؤسای بانفوذ و موجّه و صاحب احترام و دارای شأن و اعتبار بود. در قزوین درگذشت و پیکرش در وادی السلام نجف به خاک سپرده شد. فرزندانش: سید عباس، سید علی رضا، سید محمدرضا و سید ابراهیم، همه از علما و فضیلتی بزرگ قزوین بوده اند.>^۳

مرحوم سید ابوالفضل تقوی هم می نویسد:

<وی، صاحب شان و مقام و شخصیتی ممتاز، و مدیر در رفع مشکلات و منازعات مراجعین و برآوردن حاجات آنان، و دارای همت عالی بود. مردم شهر قزوین، اعتقاد

۱. تقوی سید ابوالفضل، مقدمه قصیده منیریه، ص ۱۰.

۲. آقا بزرگ تهرانی، کرام البررة، ج ۱، ص ۲۳۱.

۳. همو. نقباء البشر، ج ۳، ص ۱۵۷۷ و افشاری، نقی، فرهنگ نام آوران قزوین، ج ۲، ص ۱۱۴۰.



و ارادت خاصی به این شخصیت بزرگوار داشتند. از آثار معظم له بنام مسجد آقا میر عبدالصمد (مسجد آقا) در محله اجدادی (جنوب شهر) می باشد. رحلت میر عبدالصمد در سال ۱۳۲۴ق، در قزوین واقع و جنازه به وادی السلام نجف منتقل و در آنجا دفن شده است. تولدشان سنه ۱۲۵۶ در قزوین. مرحوم مشتاق، ماده تاریخ رحلت معظم له را چنین سروده است:

بهر تاریخ وفاتش مشتاق گفت: بفرزا الفی بعد بگو:
با دلی پر زالم همت بست <باز هم رونق اسلا شکست>^۱

از اساتید ایشان در نجف، مرحوم آیت الله حاج میرزا حبیب الله رشتی بوده است. فرزندان روحانی و عالم وی، آیات: سید صادق، سید ابراهیم، سید عباس و سید علی رضا بوده‌اند، که برخی از فرزندان و نوادگان آنان هم، از علما و روحانیون قزوین به شمار می‌روند.

معروفترین ایشان مرحوم حجة الاسلام و المسلمین حاج سید عباس تقوی (فرزند میر عبدالصمد، فرزند سید محمدتقی قزوینی) بوده است. مرحوم استاد سید ابوالفضل تقوی می‌نویسد.

>وی، از علماء عالی مقام، مانند پدر بزرگوار خود از فضائل و مکارم اخلاقی برخوردار، مخصوصاً سرپرستی ارحام و فامیل خود بودند و نسبت به صله رحم سعی وافی داشتند. مخصوصاً با بنی اعمام حلاوی (عراق) ساکن حله رابطه برقرار و موجب معرفی فامیل تقوی با آنان گردیدند. از آثار معظم له، تجدید بنام مسجد میر عبدالصمد معروف به مسجد آقا و تاسیس جامعه حسینی - که تشکیلات جوامع دیگر در قزوین از آنجا سرچشمه گرفت - است.

در سال ۱۳۲۷ خورشیدی، افراد جامعه مذکور، سفری با شکوه هر چه تمام‌تر به عتبات عالیات تحت زعامت معظم له مشرف شدند و مورد استقبال کم نظیر اهالی اماکن مقدّسه، مخصوصاً اهالی کربلا قرار گرفتند. در این سفر عده‌ای از اهل علم

۱. از آنجا که ماده تاریخ وفات مرحوم حاج سید محمدتقی، <بشکست رونق اسلام> می باشد، شاعر خوش قریحه و خوش ذوق، ماده تاریخ وفات فرزندش حاج میر عبدالصمد را، جمله <باز هم رونق اسلام شکست> استخراج نموده است.

و بزرگان شهر قزوین ایشان را همراهی می نمودند. وی در سن ۶۷ سالگی، در سال ۱۳۷۵ق، ۱۱ شعبان در شهر قم وفات نمود و در قبرستان نو مدفون شد.^۱

از دیگر فرزندان حاج سید محمدتقی، میرزا ذبیح الله است. وی عالمی بزرگ و فقیهی زاهد و جامع و کامل بود که به امر پدر بزرگوارش در بیجار - نزدیکی همدان - اقامت گزید و نماز جمعه را اقامه می نمود. پس از وفات وی، فرزندش حجة الاسلام و المسلمین حاج سید علی امام جمعه (م ۱۳۸۵ق / ۱۳۴۵ش) و پس از وفات او، فرزندش حجة الاسلام و المسلمین حاج سید محمد امامی، جانشین پدر گردید و در شهر بیجار مدرسه علمیه امامیه را تاسیس و مسجد جامع شهر را تجدید بنا نمود و موقوفات فراوان از خود به یادگار نهاد و اینک فرزندش حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج سید ذبیح الله (جلال الدین) امامی - داماد مرحوم آیت الله شریعتمداری، یادگار آن دودمان است.

دیگر از فرزندان حاج سید محمدتقی، آیت الله میر محمد اسماعیل بوده است. وی از فقها و روحانیون زاهد و پارسای عصر خویش و ساکن در تاکستان قزوین بوده و اکنون اعقاب و نوادگانش در تاکستان، خاندان بزرگی را تشکیل می دهند. اهالی تاکستان، اعتقاد خاصی به میر اسماعیل و احفاد ایشان داشته و گویند در حوادث و بلیات به <آقا> متوسل و با تأیید خداوند متعال به اجابت نائل می آمدند. اکنون مقبره آن عالم بزرگوار در تاکستان، مزار مشهور آن سامان است.

فرزندش آیت الله حاج سید محمود (م ح ۱۳۳۷ق)، از علماء و فقها و حافظ قرآن بود و وفاتش در نجف اشرف، هنگام تحصیل فرزندان عالیقدرش اتفاق افتاد.^۲

از فرزندان میر سید محمود، آیت الله سید ابوالقاسم تقوی از همه مشهورتر است.

آیت الله سید ابوالقاسم ابن میر محمود، بن میر محمد اسماعیل، بن میر سید محمدتقی تقوی قزوینی (م ۱۳۵۸ق / ۱۳۱۸ش) می باشد وی از شاگردان آیات عظام: آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی، میر سید آقا قزوینی و سید ابوالحسن اصفهانی بوده است. تألیفاتش عبارتند از:

۱. تقوی، سید ابوالفضل، شرح قصیده مخیریه، ص ۱۰۳.

۲. تقوی، سید ابوالفضل، شرح قصیده مخیریه، ص ۹۱، ۹۰.





۱. شرح حال ائمه اطهار علیهم‌السلام، ۲. شرح دعای سمات، ۳. شرح دعای صباح، ۴. حاشیه بر کفایه، ۵. رساله در اجتماع امر و نهی، ۶. رساله در عالم ذر، ۷. رساله در جبر و تفویض، ۸. ترجمه و شرح کتاب دیات شهید ثالث، ۹. الإجازات، ۱۰. الاعتقادات، ۱۱. الاستفتاءات (از آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی)، ۱۲. کتابی در فقه (۲ ج).

فرزندش، مرحوم استاد سید ابوالفضل تقوی، مترجم قصیده مخیریه جدّش حاج سید محمد تقی و از شاگردان آیت الله رحیم سامت بوده است. وی در انتهای کتاب <شرح قصیده مخیریه> تمام فرزندان و نوادگان و احفاد و خاندان حاج سید محمد تقی را بر شمرده و کوچک و بزرگ آنان را معرفی کرده است.^۱

برادرش، حجة الاسلام و المسلمین حاج سید محمد (بن میر محمود، بن میر اسماعیل، بن میر سید محمد تقی) تقوی هم از فقها و محدّثین و وعاظ درجه اول قزوین، و ادعیه و اذکارشان معروف عصر خود و مورد توجه معتقدین و مشتاقان اهالی شهر قزوین بود. وفاتش در ۸۵ سالگی، در سال ۱۳۹۵ ق (۱۳۵۳ ش) رخ داد و در یکی از اتاقهای صحن شرقی حرم شاهزاده حسین علیه‌السلام مدفون شد. فرزندش حجة الاسلام و المسلمین حاج سید محمود تقوی، از شاگردان آیات: حاج شیخ یحیی مفیدی و حاج آقا رحیم سامت و حاج سید محمد مهدی تقوی، و از مفسرین و مدرسین معروف قزوین بوده و جلسات تفسیر قرآن ایشان دایر و مورد توجه است. وی، مؤسس جامعه دیانت، و روزنامه نجات، و چاپخانه نور می باشد و در امور اجتماعی و اصلاحی قزوین، همت عالی داشته است.^۲ یکی دیگر از فرزندان حاج سید محمد تقی، آیت الله میر عبدالوهاب (م ۱۳۳۰ ق) بوده است، و فرزندش آیت الله حاج سید محمد کاظم تقوی (م ۱۳۵۲ ق) و فرزندش آیت الله حاج سید محمد مهدی تقوی (م ۱۳۹۱ ق) - از شاگردان آیت الله حجت کوهکمری - و صاحب کتابهای: یادگار جاوید و بهشت انسان می باشد.^۳

۱. تقوی، سید ابوالفضل، شرح قصیده مخیریه، ص ۹۳.

۲. همان، ص ۱۳۴-۶۴.

۳. همان، ص ۹۶-۹۷.

۴. تقوی، سید ابوالفضل، شرح قصیده مخیریه، ص ۱۰۹.

یکی دیگر از نوادگان حاج سید محمد تقی، آیت الله حاج سید آقا (سید محمد تقی بن سید رضا بن سید محمد تقی) قزوینی (م ۱۳۳۳ق) بوده است. مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی، وی را چنین می شناساند:

>عالم محقق و فاضل جلیل حاج سید محمد تقی (بن میر رضا، بن سید محمد تقی، بن میر مؤمن، بن محمد تقی، بن میر محمد رضا حسینی قزوینی)، از شاگردان ملا لطف الله اسکی مازندرانی و میرزا حبیب الله رشتی بود. وی در فقه و اصول بسیار نوشت و از اجلاء علما و مجتهدین و از مدرّسین نجف بود که در مجلس درسش عدّه بسیاری از فضلاء و طلاب علم شرکت می کردند، من نزدیک شش ماه در بحث رسائل او - مبحث حجیت قطع و اجماع - حاضر شدم و او را عالمی متبحر و محقق و مدقق یافتم. تنها مشغول به افاده تدریس و عبادت و زهد و تقوی بود. وی در سال ۱۳۳۳ برای زیارت امام رضا علیه السلام و صله ارحام به ایران آمد و پس از زیارت مشهد مقدس و دیدار خویشانش، وفات یافت و پیکرش در وادی السلام نجف به خاک سپرده شد. آثارش عبارتند از: ۱. مجامع الاحکام فی شرح شرایع الاسلام (از اول طهارت تا آخر بیع) ۲. مجامع الاصول ۳. شرح بیان ۴. حاشیه بر: قوانین و ریاض و رسائل ۵ ترجمه قرآن ۶. ترجمه احادیث استنطاق ۷. تشجیر فاطمی ۸. رساله عملیه ۹. رساله فی ترتیب الفوائت!.

فرزندش حجة الاسلام والمسلمین حاج سید جواد تقوی (م ۱۳۸۶ق) هم از علماء و فضلای قزوینی بوده است.

هم اینک دهها نفر از نوادگان و نسل پاک حاج سید محمد تقی قزوینی، در قزوین و قم و تهران با نام خانواده های <تقوی>، <امامی>، <قافله باشی>، با نزاهت نفس و صفای خاطر و پاکی نفس زندگی می نمایند.

۱. تهرانی، شیخ آقا بزرگ. نقباء البشر، ج ۱، ص ۴۱۲-۴۱۳. و هم ببینید: شریف رازی، گنجینه دانشمندان، ج ۶، ص ۱۴۹، امینی، محمد هادی، معجم رجال الفکر فی النجف، ج ۳، ص ۹۹۱، گلریز، سید محمد علی، مینودر، ج ۲، ص ۱۹۱، صدر، سید حسن، تکمله امل الآمل، ج ۵، ص ۳۱۰.

- آقا بزرگ تهرانی، شیخ محمد محسن، الذریعة الى تصانیف الشیعة (۲۶ ج)، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ ق.
- همو، الروض النضرة في علماء المائة الحادية عشرة، تحقیق: علی نقی منزوی، قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۵ ش.
- همو، الکرام البررة في القرن الثالث بعد العشرة، تحقیق: عبدالعزیز طباطبائی، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۵ ق.
- همو، الکواکب المنتشرة في القرن الثاني بعد العشرة، تحقیق: علی نقی منزوی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ ش.
- همو، نقباء البشر في القرن الرابع عشر (۶ ج)، تحقیق: سید محمد طباطبائی بهبهانی (منصور)، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵ ش / ۱۴۳۸ ق.
- ابوالحسنی (منذر)، علی، تنهای شکیبا: احوال، افکار و آثار شیخ فضل الله نوری، ۱۳۹۴، قم، مؤسسه کتابشناسی شیعه، ۱۳۹۴ ش.
- اعتماد السلطنة. محمد حسن خان مراغی، علمای عهد ناصرالدین شاه، تحقیق و تعلیق: ناصرالدین انصاری قمی، قم، مؤسسه کتابشناسی شیعه، ۱۳۹۵ ش.
- افشاری، نقی، فرهنگ نام آوران قزوین (۲ ج)، قزوین، انتشارات حدیث امروز، ۱۳۹۲ ش.
- انصاری قمی، ناصرالدین، اختران فضیلت (۳ ج)، قم، دلیل ما، ۱۳۹۷ ش.
- همو. اجازة العلامة السيد عبد الله شبر للعلامة السيد محمد تقی قزوینی، منتشر شده در مجله تراثنا، ش ۱۴۶.
- تقوی، سید ابوالفضل، شرح قصیده مخیریه، قم، بی نا، ۱۳۷۱ ش.
- تنکابنی، میرزا محمد، قصص العلماء، به کوشش: محمدرضا برزگر خالقی و عقّت کرباسی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.
- شریف کاشانی، حبیب الله، لباب الالقباب في القاب الاطیاب، تحقیق: نزار الحسن و سید جواد برک چیان، قم، مؤسسه کتابشناسی شیعه، ۱۳۹۴ ش.
- صدر، سید حسن، تکملة امل الأمل (۶ ج)، تحقیق: حسین علی محفوظ و عبدالکریم دباغ و عدنان دباغ، بیروت، دارالمؤرخ العربی، ۱۴۲۹ ق / ۲۰۰۸ م.
- معلّم حبیب آبادی، محمد علی، مکارم الآثار در تراجم اعیان و علماء دولت قاجار (۸ ج)، تحقیق و تعلیق: محمد علی روضاتی، اصفهان، ۱۳۵۵ ش.

